

پیکرم هدیه به بشریت

روایتی جذاب و کمتر شنیده شده از روند و اهمیت اهدای جسد به دانشگاه‌های علوم پزشکی و آن‌چه در اتاق تشریح اتفاق می‌افتد

الپه توانا | روزنامه نگار

پرونده

یک روز بالاخره سر می‌رسد؛ چه منتظرش باشیم، چه غافلگیر شویم. چه کارهای ناتمام و حرف‌های ناگفته‌روی دوش‌مان سنگینی کند و چه بارمان را سبک کرده‌باشیم. بعضی‌ها تریج می‌دهند انکارش کنند با این خیال که اگر ندیده بگیرندش، می‌توانند به تعویقش بیندازند یا از قطعیتش بکاهند. بعضی‌ها دوست دارند تحت کنترل دریاورندش. راجع به همه جزئیات روزهای نبودن‌شان برنامهریزی می‌کنند؛ کج‌ادفن‌شوند و مراسم ترحیم چطور برگزار شود و کی بیاید و کی نه! بعضی‌های دیگر هم تریج می‌دهند بعد از نبودن‌شان، باشند، مفید و موثر. خواسته دست‌نیافتنی و عجیبی است؟ در پرونده‌امروز زندگی‌سلام، گزارشی میدانی از روند اهدای جسد را خواهید خواند و جزئیات اتفاقاتی که در این مسیر می‌افتد و به احتمال زیاد تا به حال، چیزی درباره‌اش نشنیده‌اید یا اطلاعات بسیار کمی درباره‌اش دارید.

همه چیز از این نامه شروع می‌شود

«این جانب ... در کمال صحت و سلامت جسمی و روانی در جهت اعتلای دانش بشری و خدمت به عرصه علم و فرهنگ این مرزوبوم و پرورش نسلی داناتر و تواناتر [...] جسم و کالبد خود را پس از مرگ که حق است [...] اهدا می‌نمایم». همه چیز از این نامه شروع می‌شود. بعضی‌هایی که با دست کوتاه شده از زندگی هم به دیگران نفع می‌رسانند، پای این نامه را امضا کرده‌اند. این چند خط، شروع و صیت نامه‌ای است که به موجب آن فرد کالبدش را اهدا می‌کند تا بعد از مرگ، به جای پوسیدن زیر خاک و خوراک مور و مار شدن ابزاری شود برای پیشرفت علم و نجات جان بیماران. چطور؟ من دارم می‌روم دانشگاه علوم پزشکی تا جواب سوالم را بگیرم. شما هم می‌توانید، بیایید و برای دقایقی با من همراه شوید.



این جاسردخانه کوچکی است با چند تا یخچال

ساعت هشت صبح است، این جا اتاق تشریح دانشکده پزشکی است و من خیلی خوشبختم که کلاس‌هایه دلیل شرایط ویژه این روزها بر گزار نمی‌شود. شما هم واقعا شانس آوردید. من اگر روی این تخت‌ها با جسدی در حال تشریح مواجه می‌شدم، حتما با همه جزئیات برای شما هم تعریف می‌کردم. این، چیزی نیست که بتوانم درباره‌اش حرف نز نم و مراعات حال‌تان را بکنم. بالای هر تخت که در این جا میز تشریح نام دارد، چراغ و دوربین قرار دارد. کاربرد چراغ که معلوم است، دوربین‌ها برای این نصب شده‌اند که وقتی تعداد دانشجویها زیاد باشد؛ روند تشریح را ضبط کنند و روی مانیتورهای دورتادور اتاق نمایش بدهند. چند هواکش قوی و بزرگ هم هست که بوی بد جسد را می‌گیرد تا استادها و دانشجویها بتوانند کارشان را انجام بدهند. این بو البته آن بوی تعفن معروف که از اموات سراغ دارید، نیست. بوی ماده‌شیمیایی است. برویم به اتاق بغلی تا بفهمیم ماجرا چیست. این جاسردخانه



ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنج شنبه ۲۰ شهریور ۱۳۹۹
۲۱ محرم ۱۴۴۲ ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۰
شماره ۲۰۴۲۱

۱۶۹۱



عکس‌ها: قاضی رسول ارد

لازم نیست پزشک باشید. یک تکنیسین اتاق عمل هم وقتی چند بار ببیند شما چطور بدن را برش زدید و آیا ندیس را بیرون آوردید، می‌تواند مثل شما و حتی بهتر از شما عمل کند. فرق یک جراح خیلی خوب با جراح معمولی این است که جراح خوب می‌گوید من با این برش معمول چهار سانتی‌متر شکم بیمار را باز می‌کنم؛ اگر سمت دیگری از بدن بیمار را یک سانتی‌متر برش بزنم، می‌توانم همین عمل را بدون هیچ مشکلی انجام بدهم. کسی که می‌خواهد برش جراحی جدیدی ایجاد کند، باید کاملاً بداند زیر چاقو چه چیزی قرار گرفته است که شریان یا عصبی را قطع نکند.»

اهدای کالبد، جان چند نفر را نجات می‌دهد؟

نداشت، این برش‌های مغز با تصویر نسبتادقیقی که به جراحی‌می‌داده‌اند، جان خیلی‌ها را نجات داده‌اند. مولاژها یا مدل‌ها در آموزش پزشکی، ضروری و مفید هستند ولی هیچ چیز جای جسد را نمی‌گیرد. آن‌چه روی جسد آموخته می‌شود، هیچ وقت از یاد نمی‌رود. این روزها که کالبد به اندازه کافی اهدا نمی‌شود، نوبت‌دهنده‌آینده ترسناکی است. این‌ها را من نمی‌گویم، دکتر حقیر تعریف می‌کند: «ما در هر ترم یک جسد داریم برای حدود ۲۰۰ دانشجو که از استاندارد فاصله بسیار زیادی دارد. در دانشگاه‌های معتبر دنیا، هر هشت نفر یک جسد دارند و خودشان آن را تشریح می‌کنند در حالی که در کلاس‌های ما استاد تشریح را انجام می‌دهد و دانشجو فقط می‌بیند. در این شیوه، یادگیری خیلی کم اتفاق می‌افتد. همین دانشجو فردا پزشک متخصص می‌شود و عضوی را جراحی می‌کند که یک بار در زندگی‌اش از نزدیک ندیده و لمس نکرده است. هر پیکری که امروز اهدا می‌شود، به پزشکان بسیاری درس می‌دهد و این پزشکان در طول عمر کاری‌شان با تعداد غیر قابل محاسبه‌ای بیمار سرو کار خواهند داشت. نمی‌شود تصور کرد اهدای کالبد، جان چند نفر را نجات می‌دهد.»

شاید فکر کنید این آموزش با نمونه‌های مصنوعی هم ممکن است و ضرورتی ندارد جسم ما پزشک متخصص تربیت کند. خب برویم سالن «مولاژ» تا جواب این ابهام را پیدا کنیم. این جا دورتادور کمد‌های شیشه‌ای است؛ پر از قلب و کبد و کلیه و لایه‌های برش خورده مغز و استخوان. بعضی‌های‌شان طبیعی هستند و بعضی‌ها کارخانه‌ای. سال‌ها پیش مرحوم «دکتر مستقیمی» بزرگ‌ترین و مشهورترین آناتومیست ایران، این نمونه‌ها را تنهایی ساخته و جمع‌آوری کرده است. مثلاً یک قلب واقعی این جاست که با تکنیکی ویژه در قالبی پلاستیکی سالم مانده و اجزایش به راحتی قابل تشخیص است. زمانی که «آنژیوگرافی» وجود نداشته، این بهترین روش برای نشان دادن عروق قلب بوده است. این یکی را باید بودید و می‌دیدید؛ مغز، مثل پنیر، ورقه‌ورقه برش خورده و در یک لایه پلاستیک فشرده و شفاف قرار گرفته است. آن موقع که سی‌تی اسکن و ام‌آر‌آی در ایران وجود



که در این مدت از عزیزان قبری نداشته باشند یا سر مزار خالی او بپرند. خب البته حق هم دارند. خارج از روال و قاعده عمل کردن، کار ساده‌ای نیست. کسی که تصمیم می‌گیرد، کالبدش را اهدا کند، توانایی خاصی دارد که می‌تواند خودش و عزیزانش را مجاب کند به دیدن آینده. نمی‌شود از همه توقع داشت ندارد. ما از بعد انقلاب، فتوای حضرت امام (ره) را داریم که تصریح کردند اگر حیات انسان‌های دیگر منوط به تشریح جسد باشد، اشکالی ندارد. نزد مردم شاید تصور کاری که در اتاق تشریح با جسد می‌شود، مانع استقبال عده‌ای باشد در حالی که زیر خاک اتفاق بهتری در انتظار بدن‌مان نیست. جسم ما به هر حال از بین می‌رود فقط چون اتفاقات زیر خاک جلوی چشم نیست، تصویر در دنا کی از آن هم وجود ندارد. مادر دانشگاه، با نهایت احترام با پیکر هابر خورده می‌کنیم؛ هم به عنوان انسانی که فوت کرده و هم به عنوان فردی که خودش را وقف علم کرده است. بعد از تمام شدن کارمان هم موظف هستیم برای متوفی، قبر تهیه کنیم و مراسم تدفین بر گزار کنیم. از آن جایی که به دلیل کمبود جسد ناچار هستیم زمان زیادی - حداقل شش ماه که تا چند سال هم ممکن است طول بکشد - پیکرها را انکه داریم، برای بازماندگان راحت نیست

پرسش و پاسخ درباره اهدای جسد

اگر تا این جا همراه من آمده‌اید، شاید از ذهن بعضی‌هایتان گذشته باشد که «خب حالا چه کار باید بکنیم برای اهدای جسد؟». دانشگاه علوم پزشکی دو فرم به داوطلبان می‌دهد. یکی از آن‌ها را شما پر می‌کنید که طبق آن رضایت می‌دهید (دور از جان‌تان، بعد از ۱۲۰ سال) پیکرتان بعد از فوت به دانشگاه اهدا شود. فرم دوم را اعضای درجه یک خانواده، امضا می‌کنند. متأهل‌ها باید رضایت همسر و فرزندان‌شان را بگیرند و مجردها، رضایت والدین و خواهر و برادرها. همه امضاها هم باید محضری شوند. بعد فرم‌ها را می‌برید دانشگاه و دو، سه نفر از مسئولان دانشکده هم امضا می‌کنند. دکتر حقیر در این باره توضیح می‌دهد: «اگر کسی در زمان حیات داوطلب اهدای پیکر شده باشد و بعد از فوت یکی از ورثه مخالفت کند، ما نمی‌توانیم

جسد را تحویل بگیریم اما برعکسش ممکن است. یعنی بازماندگان می‌توانند حتی در صورت اعلام رضایت نکردن عزیز از دست رفته‌شان، بعد از فوت پیکرش را به دانشگاه اهدا کنند». پیش از آمدن به دانشگاه، درباره اهدای جسد با چند نفری صحبت کردم. بعضی‌ها می‌گفتند دوست دارند این کار را انجام بدهند ولی بیمار هستند و احتمالاً بدن‌شان به دردتشریح نخواهد خورد. دکتر حقیر به این سوال هم جواب می‌دهد: «بیماری منعی برای تشریح ایجاد نمی‌کند مگر آن که آناتومی

بدن را در ناحیه‌ای خاص، برهم زده باشد که در این صورت هم فقط آن عضو به خصوص قابل تشریح نخواهد بود». می‌پرسم جسدی که به کار تشریح بیاید، چه ویژگی‌هایی دارد؟ «جسد هر چه تازه‌تر باشد و کمتر در سردخانه پزشکی قانونی مانده باشد، برای تشریح مناسب‌تر است. بعد از مرگ از داخل سلول‌های مرده، آنزیم‌هایی آزاد می‌شود که باعث بدن را هضم می‌کند؛ به این فرایند می‌گوییم «اتولیز» یعنی بدن خودش را تخریب می‌کند. اتولیز در مغز به دلیل بافت نرمش خیلی سریع اتفاق می‌افتد به همین دلیل بهتر است جسد در زمان کوتاهی بعد از مرگ، به دانشگاه برسد.»

